

..... سپاه رسالت محور

وظایف و مأموریت‌ها در حوزه‌های گوناگون نظامی، امنیتی و فرهنگی

قلمروهای ممنوعه - قلمروهای مجاز و تکلیفی

دکتر یدالله جوانی

چکیده

سپاه پاسداران انقلاب اسلامی چگونه سازمانی است؟ این سازمان چه رسالتی دارد؟ وظایف و مأموریت‌های آن کدام است؟ آیا سپاه یک نیروی صرفاً نظامی همانند ارتش می‌باشد؟ اگر اینگونه است با کدام منطق یک کشور باید دو ارتش داشته باشد؟ اگر سپاه و ارتش از نظر رسالت، وظایف و مأموریت‌ها متفاوت می‌باشند، این تفاوت‌ها چیست؟

طی ۱۰ سال گذشته برخی از جریان‌ها و گروه‌های سیاسی، بخشی از کارکردهای سپاه را زیر سؤال برده و این نوع کارکردها و اقدامات را مغایر با قانون و رهنمودهای حضرت امام(ره) ارزیابی کرده‌اند. این نوع ارزیابی‌ها از اقدامات و مواضع سپاه، زمینه‌های حمله به سپاه و تخریب این نیروی مدافع انقلاب اسلامی را برای بدخواهان نظام اسلامی فراهم ساخته است. نمونه این رفتار با سپاه را در هفته‌های اخیر به دنبال اظهارات فرمانده کل سپاه سرلشکر پاسدار جعفری شاهد بودیم. مبنای تحلیل و موضع‌گیری‌ها علیه این اظهارات، عمدتاً در یک موضوع و مطلب خلاصه می‌شود. عده‌ای سپاه را یک مجموعه صرفاً نظامی دانسته و بر این اساس از پاسداران و بسیجیان مرتبط با سپاه، به عنوان نظامیان یاد می‌کنند. از نظر این افراد، سپاه، بسیج، پاسداران و بسیجیان در زمره نظامیان محسوب می‌شوند و نظامیان نیز فقط و فقط باید

با تهدیدات نظامی مقابله کنند و به هیچ عرصه دیگری از جمله حوزه مسائل فرهنگی و سیاسی وارد نشوند. از نظر این افراد، هرگونه اقدام با ماهیت غیر نظامی از سوی سپاه و فرماندهان آن به ویژه در قبال مسائل سیاسی کشور، به عنوان دخالت نظامیان در سیاست تلقی شده و مورد انتقاد قرار می‌گیرد؟ آیا این نگاه به سپاه درست است؟ آیا این نگاه با رسالت و مأموریت‌های سپاه همخوانی دارد؟ این نوشتار به دنبال پاسخ به این سؤالات است.

جایگاه سپاه در قانون اساسی و برداشت‌های متفاوت

اصل یکصد و پنجاه قانون اساسی، فلسفه وجودی سپاه را این گونه بیان می‌دارد: «سپاه پاسداران انقلاب اسلامی در نخستین روزهای پیروزی انقلاب تشکیل شد، برای ادامه نقش خود در نگرهبانی از انقلاب و دستاوردهای آن پابرجا می‌ماند. حدود وظایف و قلمرو مسئولیت این سپاه در رابطه با وظایف و قلمرو مسئولیت نیروهای مسلح دیگر با تأکید بر همکاری و هماهنگی برادرانه میان آنان، به وسیله قانون تعیین می‌شود.»

با دقت در متن اصل ۱۵۰ قانون اساسی، دو نکته اساسی و مهم قابل استنباط است.

۱. سپاه پاسداران، فلسفه وجودی و رسالتش، نگرهبانی از انقلاب و دستاوردهای آن می‌باشد.

۲. حدود وظایف و قلمرو مسئولیت‌های سپاه را قانون تعیین می‌کند.

با توجه به نکته دوم و تصریح تعیین قلمرو وظایف و مسئولیت سپاه با وظایف و مسئولیت نیروهای مسلح دیگر، در خصوص جایگاه سپاه پاسداران انقلاب اسلامی و ماهیت آن دو نظریه و دیدگاه اصلی و عمده وجود دارد. چالش رابطه سپاه با سیاست، در واقع چالش بین این دو نظریه و دو دیدگاه می‌باشد. نظریه اول، سپاه پاسداران را صرفاً یک مجموعه و نیروی مسلح، مانند تمامی نیروهای مسلح و ارتش‌های دنیا معرفی می‌کند و بر همین اساس رابطه سپاه و سیاست را قطع کرده و معتقد است، سپاه هم مانند هر نیروی مسلح دیگری، وظیفه‌ای جز مبارزه مسلحانه و اقدام از طریق نظامی‌گری ندارد. اقدام نظامی نیز، موقعی باید انجام گیرد که دشمنان خارجی، یا گروه‌های داخلی به شکل نظامی و با استفاده از قدرت زور و اسلحه به مبارزه با انقلاب و نظام روی آورند.

نظریه دوم، سپاه پاسداران انقلاب اسلامی را نهادی با ماهیت چند منظوره و دارای ابعاد مختلف تعریف کرده و برای سپاه، به شکل یک پارادایم، ماهیت نظامی، امنیتی، سیاسی و فرهنگی را مورد تأکید قرار می‌دهد. در این نظریه، رابطه سپاه با حوزه سیاست و مسائل سیاسی فرهنگی، اجتماعی و حتی اقتصادی با رویکرد امنیتی و در راستای فلسفه وجودی و رسالت سپاه تعریف می‌شود.

دو نظریه مذکور را به اجمال بررسی می‌کنیم:

۱. نظریه اول

سنگ بنا و شالوده این نظریه، اصل ممنوعیت دخالت نظامیان در امور سیاسی است. اصلی که در عالم سیاست و به ویژه در دولت‌های مدون و نظام‌های دموکراتیک امروز طرفداران زیادی دارد. مبانی نظری معتقدان به این دیدگاه، عمدتاً به پیامدهای دخالت زورگویانه نظامیان در قبضه قدرت سیاسی بر می‌گردد. تجربه دخالت‌های نظامیان در کشورهایی چون اسپانیا ژنرال فرانکو، شیلی ژنرال پینوشه، سوهارتو اندونزی و... مورد تجزیه و تحلیل قرار می‌گیرد. «هارلد لاسول» از جمله اولین کسانی بود که در این زمینه به نظریه پردازی روی آورد و در سال ۱۹۴۱ میلادی، نظریه «دولت پادگانی» را مطرح ساخت. «مورس دورژ» از دیگر نظریه پردازان در کتاب «جامعه‌شناسی» خود می‌نویسد: «نظامیان مسلح، هم برای فرمانروایان و هم برای شهروندان بی‌سلاح خطر مداوم هستند. تلاش این است که این خطر محدود شود.»

برخی از پیروان چنین نظریه‌ای، با اشاره به اینکه سپاه پاسداران نیز یک نیروی مسلح و مجموعه نظامی است، چنین استدلال می‌کنند که سپاه نباید هیچ ورودی به عرصه سیاست داشته باشد. آنان ورود سپاه به عرصه سیاسی را، ورود نظامیگری به عرصه رقابت‌های سیاسی تعریف کرده و آن را مخالف با قانون و دیدگاه‌های حضرت امام (ره) می‌دانند.

۲. نظریه دوم

در نظریه دوم، چند نکته مورد تأکید قرار می‌گیرد.

الف) اصل ۱۵۰ قانون اساسی نگرهبانی از انقلاب و دستاوردهای آن را به صورت عام بر عهده سپاه پاسداران گذاشته است.

ب) تهدیدات علیه انقلاب اسلامی، صرفاً جنبه نظامی ندارد و دشمن برای مقابله با انقلاب اسلامی از روش‌های گوناگون استفاده می‌کند.

ج) سپاه برای مقابله با هر نوع تهدیدی، چه نظامی و چه غیر نظامی، وظیفه قانونی برای مقابله در راستای حفظ انقلاب و دستاوردهای آن بر عهده دارد. بر اساس موارد مذکور، پیروان نظریه دوم بر این اعتقاد هستند که سپاه پاسداران، یک نهاد چند منظوره است و رسالت‌ها و مأموریت‌های مختلفی را بر عهده دارد. آنجایی که تهدید ماهیت نظامی دارد، سپاه به عنوان یک نیروی مسلح قدرتمند با تکیه بر مدرن‌ترین و پیشرفته‌ترین جنگ افزارهای روز، باید به مقابله با تهدیدات نظامی بپردازد و در این وضعیت در واقع سپاه پاسداران، معین ارتش جمهوری اسلامی خواهد بود. آنجایی که تهدیدات ماهیت سیاسی، فرهنگی و اجتماعی دارد، سپاه باید با ابزار و روش‌های مناسب این تهدیدات و در راستای حفاظت از انقلاب اسلامی، به مقابله با این تهدیدات بپردازد. بر اساس این نظریه، دور کردن سپاه از حوزه مسائل سیاسی، اجتماعی و فرهنگی، با ماهیت این نهاد انقلابی ناسازگار می‌باشد.

نقد و ارزیابی دو دیدگاه نسبت به رسالت و وظایف سپاه

در نقد و بررسی نظریات پیش گفته در مورد رابطه سپاه و مسائل سیاسی، نکته اصلی و اساسی که می‌تواند ملاک پذیرش یک نظریه و در نتیجه رد نظریه مقابل را به دنبال داشته باشد، اثبات ماهیت سپاه پاسداران انقلاب اسلامی است. به عبارت دیگر، پاسخ به یک سؤال، استحکام یکی از دو نظریه مذکور و صحیح بودن آن را تأیید می‌نماید. «آیا سپاه ماهیتی صرفاً نظامی و کارکردی صرفاً مسلحانه دارد، یا اینکه سپاه ماهیتی چند وجهی و دارای کارکردهای متفاوت از قبیل نظامی، امنیتی، فرهنگی و سیاسی می‌باشد؟»

بدیهی است که پاسخ سؤال ذکر شده موقعی دارای اعتبار و قابل پذیرش است که در چارچوب قواعد حقوقی و بر اساس قوانین و مقررات ارائه شده باشد. بر این اساس، منابع حقوقی زیر را برای پاسخ به این سؤال می‌توان مورد استناد و بهره‌برداری قرار داد.

۱. قانون اساسی ۲. اساسنامه سپاه ۳. رهنمودهای حضرت امام(ره) و مقام معظم رهبری
۴. سیره عملی حضرت امام(ره) و مقام معظم رهبری در قبال کارکردهای سپاه از ابتدا تاکنون.

۱. قانون اساسی

اصل یکصد و پنجاه قانون اساسی فلسفه وجودی رسالت سپاه را به صورت عام و کلی، نگهبانی از انقلاب و دستاوردهای آن بیان می‌دارد. طبق این اصل سپاه دارای بعد نظامی بوده و بر همین اساس اشاره شده که حدود و وظایف و قلمرو مسئولیت این سپاه در رابطه با وظایف و قلمرو و مسئولیت نیروهای مسلح دیگر را قانون تعیین می‌کند. آنچه از اصل ۱۵۰ برداشت می‌شود، هیچ دلالت بر ماهیت صرفاً نظامی سپاه ندارد، گرچه این اصل تصریح بر دیگر جنبه‌های غیر نظامی هم نمی‌کند. اصل ۱۵۰ بر بعد نظامی تصریح دارد و نسبت به دیگر جنبه‌ها مسکوت می‌باشد و به صورت کلی وظیفه نگهبانی از انقلاب و دستاوردهای آن را بر عهده سپاه گذاشته و چگونگی انجام این کار را به وضع قوانین موکول کرده است. بنابراین اثبات دیگر ابعاد سپاه در جنبه‌های غیر نظامی را باید در قوانین موضوعه مستند به قانون اساسی دنبال کرد.

۲. اساسنامه سپاه

مجلس شورای اسلامی اساسنامه سپاه را در تاریخ ۱۳۶۱/۶/۱۵ در چهل و نه ماده و شانزده تبصره به تصویب رساند. در اساسنامه سپاه هدف از تشکیل سپاه بدین صورت بیان شده است: «سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، نهادی است تحت فرماندهی عالی رهبر معظم انقلاب که هدف آن نگهبانی از انقلاب اسلامی، دستاوردهای آن و کوشش مستمر در راه تحقق آرمان‌های الهی و گسترش حاکمیت قانون طبق قوانین جمهوری اسلامی ایران و تقویت بنیه دفاعی جمهوری اسلامی از طریق همکاری با سایر نیروهای مسلح و آموزش نظامی و سازماندهی نیروهای مردمی می‌باشد.»

طبق اساسنامه سپاه، این نهاد علاوه بر وظیفه نگهبانی از انقلاب و دستاوردهای آن، وظیفه تحقق آرمان‌های الهی را نیز بر عهده دارد. تحقق آرمان‌های الهی که همان ارزش‌ها و آرمان‌های مطرح شده از سوی بنیان‌گذار جمهوری اسلامی است و از سوی ملت ایران در قالب شعارهای انقلاب اسلامی مطرح گردید و در نهایت در قانون اساسی جمهوری اسلامی وارد گشت، نیاز به ساز و کارهای خاص دارد. بنابراین، اساسنامه سپاه، رسالت سپاه و فلسفه وجودی سپاه را در دو حوزه و قلمرو اصلی بیان می‌دارد.

الف - نگرهبانی از انقلاب و دستاوردهای آن.

ب - کوشش مستمر در راه تحقق آرمان‌های الهی و گسترش حاکمیت قانون.

بخش پایان از تعریف ارائه شده در مورد هدف سپاه در اساسنامه، بر بعد نظامی تصریح دارد ولی بندهای الف و ب مورد اشاره که تصریح اساسنامه است، با صراحت هر چه تمام، ماهیت صرفاً نظامی سپاه را نفی می‌کند. زیرا در موضوع نگرهبانی از انقلاب، هیچ تصریحی نشده که این نگرهبانی از سوی سپاه موقعی خواهد بود که نیاز به اقدام نظامی باشد. سپاه باید آمادگی داشته باشد در صورت تهدید انقلاب و دستاوردهای آن، از انقلاب و دستاوردها دفاع نماید. در موضوع کوشش مستمر در راه تحقق آرمان‌های الهی بعد غیر نظامی سپاه برجسته تر می‌گردد. در این وظیفه‌ای که برای سپاه تعریف شده، اولاً هیچ تصریحی نیامده که این کوشش صرفاً از طریق اقدام نظامی باشد، ثانیاً در منطق اسلامی و دینی، ارزش‌ها و آرمان‌های الهی را با کار و تلاش و کوشش فرهنگی تحقق می‌بخشند نه با زور شمشیر و اقدام نظامی. بنابراین بر اساس اساسنامه سپاه، این نهاد انقلابی علاوه بر ماهیت نظامی، دارای ماهیت فرهنگی، یعنی وجوه غیر نظامی نیز می‌باشد.

نکته بسیار قابل توجه، چگونگی دفاع از انقلاب و دستاوردهای آن می‌باشد. همانگونه که اشاره شد، نه در اصل ۱۵۰ و نه در هدف ذکر شده برای سپاه در اساسنامه مصوب مجلس شورای اسلامی، قید مسلحانه یا از طریق اقدام نظامی برای مأموریت سپاه در دفاع از انقلاب و دستاوردها ذکر نشده و سپاه از هر طریق که لازم باشد، باید این نگرهبانی را انجام دهد.

چگونگی انجام این نگرهبانی در اساسنامه سپاه در بخش وظایف و مأموریت‌های سپاه بیشتر روشن می‌گردد. سپاه پاسداران بر اساس بندهای اول و دوم از مأموریت‌های مصرح در اساسنامه خود، موظف به مقابله با تمامی احزاب، گروه‌ها و جریان‌هایی می‌باشد که در صدد خرابکاری، براندازی و نفی حاکمیت دینی هستند. در این بخش از ذکر وظایف و مأموریت‌ها نیز، هیچ تصریحی نشده که اقدام سپاه صرفاً باید نظامی باشد. این اقدام عام تعریف شده، چراکه روش‌هایی که امروزه برای براندازی و نفی حاکمیت دینی در دستور کار برخی از احزاب، گروه‌ها و جریان‌های سیاسی قرار دارد صرفاً ماهیت نظامی ندارد. اگر

وظیفه سپاه مقابله با تهدید است، فرقی نمی‌کند که این تهدید چه ماهیتی دارد. اگر گفتیم سپاه وظیفه‌اش فقط مقابله نظامی است، دیگر نمی‌توان از سپاه توقع داشت که پاسدار و نگهبان انقلاب اسلامی باشد. اما اگر طبق قانون اساسی رسالت و فلسفه سپاه را نگرهبانی از انقلاب اسلامی و دستاوردهای آن بدانیم، بدیهی است که سپاه باید از تمامی سازوکارهای لازم برای مقابله با هر نوع تهدیدی، چه نظامی و چه غیر نظامی برخوردار باشد. به عنوان نمونه به روش‌های زیر در راستای براندازی و نفی حاکمیت دینی که سپاه باید با آن مقابله کند توجه نمائید.

- تلاش برای ایجاد تزلزل در اعتقادات و باورهای دینی و فرهنگ ناب اسلامی که پایه و مبنای نظام دینی است.

- تلاش سیاسی و فرهنگی در جهت استحاله نظام دینی

- ایجاد زمینه‌های آشوب، بحران، نارضایتی در جامعه با کار تبلیغاتی و سیاسی

- تلاش سیاسی و فرهنگی برای نفی اسلامیت نظام با هدف سکولاریزه کردن آن

اگر هر یک از اقدامات فوق که انجام آن از سوی برخی از احزاب، گروه‌ها و جریان‌های سیاسی متصور است، با هدف براندازی و نفی حاکمیت دینی دنبال گردد، سپاه وظیفه مقابله با آن را بر عهده دارد. در صورتی که حرکت یک حزب یا گروه برای براندازی دارای ماهیت سیاسی یا فرهنگی باشد، نباید از سپاه توقع داشت که با آن حزب یا گروه مقابله نظامی نماید. در چنین شرایطی وظیفه سپاه مقابله سیاسی و فرهنگی خواهد بود. برای اینکه سپاه کارکرد سیاسی و فرهنگی داشته باشد، نمی‌توان برای آن ماهیتی صرفاً نظامی را منظور کرد. بر اساس منابع حقوقی دیگر یعنی فرامین، دستورات و تدابیر حضرت امام (ره) و مقام معظم رهبری و همچنین سیره عملی این دو بزرگوار در قبال کارکردهای سپاه، موضوع را دنبال می‌کنیم.

۱. فرامین، دستورات و تدابیر

بر اساس قانون اساسی، فرماندهی کل نیروهای مسلح بر عهده رهبری است. اساسنامه سپاه، فرماندهی عالی سپاه را اینگونه اعلام می‌دارد: «سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، نهادی است تحت فرماندهی عالی رهبر معظم انقلاب که هدف آن نگرهبانی از انقلاب اسلامی، دستاوردهای آن و کوشش مستمر در راه تحقق آرمان‌های الهی و...»

بر اساس قانون استخدامی و مقررات نیروهای مسلح مصوب مجلس شورای اسلامی، فرامین، دستورات و تدابیر مقام معظم رهبری به عنوان فرماندهی معظم کل قوا برای نیروهای مسلح در حکم قانون می‌باشد. نکته بسیار قابل تأمل در این قانون تصریح بر این مطلب است که هرگاه فرامین، دستورات و تدابیر با قوانین موضوعه در حیطه نیروهای مسلح در تعارض باشد، فرامین، دستورات و تدابیر بر قوانین موضوعه رجحان دارد. بر این اساس آنچه از سوی فرماندهی معظم کل قوا در خصوص کارکردها و فلسفه وجودی، وظایف و مأموریت‌های سپاه پاسداران انقلاب اسلامی بیان شده در حکم قانون می‌باشد و در این بحث قابل استناد می‌باشد.

در اینجا مواردی از رهنمودهای مقام معظم رهبری در راستای بحث اشاره می‌شود. دقت در این موارد نشان می‌دهد که سپاه ماهیتی صرفاً نظامی و اقدامی صرفاً مسلحانه در راستای دفاع از انقلاب ندارد. بلکه ماهیت سپاه چند وجهی و کارکردهای سپاه در حوزه‌های مختلف است.

الف) «عناصر سپاه باید به اقتضای وظیفه‌ای که برای آنان تعریف شده، دارای درک و تشخیص و شِمّ سیاسی بار آیند... سپاه نظامی، سیاسی است.»

ب) «یکی از چیزهایی که سپاه توانسته است در این چند سال از اول انقلاب تا حالا تقریباً در همه موارد یا بیشتر موارد آن را نشان دهد، عبارت بوده است از تشخیص حق و باطل، فتنه‌ها را به صورت فتنه شناخته است و با آنها در افتاده است.

جبهه حق را به صورت حق شناخته است و همیشه از آن دفاع کرده است. این درک سیاسی لازم دارد که بحمدالله تا امروز بوده است و باید این درک سیاسی را هر چه می‌توانید در خودتان تقویت کنید.»

ج) «عمل سپاه صرفاً نظامی نیست. عمل سپاه، نظامی، امنیتی و فرهنگی است.»

د - «دشمنی‌شناسی و دوست‌شناسی و جریان‌شناسی و قدرت تحلیل مسائل سیاسی، جزء همان بخش معرفت دینی و عمل است. این وظیفه نمایندگی است.»

۲. سیره عملی حضرت امام (ره) و مقام معظم رهبری

نظر به اینکه سپاه پاسداران انقلاب اسلامی بر اساس قانون، تحت فرماندهی ولی فقیه

می‌باشد، کارکردهای این نهاد همواره تحت نظارت و کنترل فرماندهی معظم کل قوا خواهد بود. بنابراین چنانچه سپاه پاسداران در حیطه‌های غیر نظامی ورود داشته و اقداماتی انجام داده و با سکوت رهبری یا تأیید او مواجه شده، این سیره عملی خود بر اساس قانون دلیلی بر صحت عمل سپاه در راستای فلسفه وجود آن می‌باشد. به عنوان مثال در دوران بنی صدر و غائله ایشان و جریان نفاق، سپاه ورود جدی به عرصه برای مقابله با این فتنه داشت.

سپاه و تهدیدات با ماهیت‌های متفاوت

در واقع نظامی بودن بخشی از ماهیت سپاه و نظامی‌گری و اقدامات مسلحانه در راستای دفاع از انقلاب اسلامی، بخشی از اقدامات سپاه می‌باشد. سپاه علاوه بر اقدامات مسلحانه، هر نوع اقدام ضروری و لازم دیگر بر حسب اقتضائات زمانی در راستای دفاع از انقلاب اسلامی را باید انجام دهد. به عبارت دیگر نوع اقدام سپاه، تابعی از ماهیت و نوع تهدید علیه انقلاب و دستاوردهای آن می‌باشد. قانون برای تهدیدی که سپاه باید با آن مقابله کند، هیچ قیدی منظور نکرده و اقدام سپاه را هم مقید به اقدام صرفاً نظامی نکرده است.

همین نوع نگاه قانون به سپاه است که این سازمان را به یک مجموعه منحصر به فرد تبدیل کرده است. سازمان سپاه از این حیث منحصر به فرد است که قابلیت‌های گوناگون را برای دفاع همه جانبه از انقلاب اسلامی و دستاوردهای آن دارا می‌باشد.

همین قابلیت‌های گوناگون، سپاه پاسداران را به یک نیروی استراتژیک برای انقلاب اسلامی تبدیل ساخته است. این نیروی استراتژیک باید بتواند با هر نوع تهدیدی و در هر سطحی، توانایی و قابلیت مقابله داشته باشد. تهدیدات را می‌توان از نظر ماهیت، بر سه قسم سخت، نیمه سخت و نرم دسته‌بندی نمود. جایگاه سپاه در ساختار نظام سیاسی و حکومتی ایران به گونه‌ای است که برای برخورد با هر قسم از تهدید، جنبه استراتژیکی دارد. بعد راهبردی سپاه پاسداران نسبت به تهدیدات علیه انقلاب اسلامی و دستاوردهای آن با ویژگی دفاع چند وجهی و قابلیت‌های گوناگون، این سازمان را همانند ذخایر استراتژیک، پشتوانه دیگر سازمان‌ها و دستگاه‌ها قرار داده است.

چند منظوره بودن سازمان سپاه با همین نگاه باید تحلیل گردد. توضیحات مختصری در این باره ضروری است:

۱. سپاه و تهدیدات نظامی خارجی ارتش جمهوری اسلامی ایران بر اساس قانون اساسی، مأموریت و وظیفه اصلی اش دفاع از سرزمین، قلمرو جغرافیایی، مرزها و مبارزه با تهاجم و تجاوز دشمن خارجی است. فلسفه وجودی ارتش، دفاع از سرزمین است و مأموریت آن ریشه در همین فلسفه وجودی دارد و ساختار، سازمان، تجهیزات و آموزش های آن در همین چارچوب تعریف می گردد. اگر تهاجم خارجی به گونه ای بود که پاسخگویی به آن، توانی فراتر از ارتش را نیاز داشته باشد، آنگاه سپاه با اتصال به نیروی پایان ناپذیر مردمی بسیج، به عنوان پشتوانه و معین و نیروی استراتژیک انقلاب اسلامی، برای دفاع از انقلاب اسلامی و دستاوردهای آن وارد صحنه می گردد. ایفای نقش راهبردی سپاه و بسیج مردمی در دوران دفاع مقدس در همین چارچوب قابل ارزیابی و تحلیل است. در این وضعیت ماهیت نظامی سپاه برجسته شده و اقدام سپاه شکل نظامی دارد. یعنی مقابله با تهدید سخت.

۲. سپاه و بحران های امنیتی داخلی وزارت اطلاعات و نیروهای انتظامی وظیفه تأمین امنیت داخلی و مقابله با بحران ها و ناآرامی های داخلی را بر عهده دارند. در صورت بروز شورش، اغتشاش و هر نوع حرکت و اقدام ضد امنیت ملی که ثبات و آرامش داخلی را بر هم زند، نیروهای وزارت اطلاعات و نیروی انتظامی باید ابتدا بر اساس فلسفه وجودی، رسالت و مأموریت خود، اقدامات لازم و ضروری را برای کنترل اوضاع و برقراری امنیت به عمل آورند.

چنانچه در مقطعی از زمان، دامنه و عمق بحران داخلی به گونه ای باشد که به صورت تهدید امنیت ملی ارزیابی گردد و نیروهای اطلاعاتی و امنیتی قادر به کنترل و خنثی سازی بحران و برقراری ثبات، آرامش و امنیت نباشند، سپاه پاسداران وظیفه ورود به صحنه برای مقابله با جریان ها و عوامل بحران ساز را عهده دار می باشد. در چنین شرایطی، اقدام سپاه به عنوان نیروی استراتژیک نظام برای دفاع از انقلاب اسلامی و دستاوردهای آن قابل تحلیل و ارزیابی می باشد. اقدام سپاه پاسداران برای مقابله با بحران های سال های اول انقلاب در کردستان، سیستان و بلوچستان، خوزستان، ترکمن صحرا و برخی دیگر مناطق، بر همین مبنا و

اساس انجام شد. ایفای نقش سپاه و بسیج برای خنثی سازی غائله و فتنه تیر ۱۳۷۸ در تهران نیز در همین راستا بود. وظیفه ذاتی، اصلی و اولیه نیروهای اطلاعاتی و امنیتی و نیروی انتظامی کنترل بحران و خنثی سازی در این توطئه ضد امنیتی داخلی بود. اما وقتی دامنه و عمق بحران به صورت یک تهدید جدی علیه امنیت ملی آشکار گشت و مقابله با آن به توانی فراتر از نیروی اولیه، یعنی نیروهای اطلاعاتی و امنیتی و نیروی انتظامی نیاز داشت، در این شرایط نیروی استراتژیک نظام یعنی سپاه با به کارگیری نیروی مردمی بسیج وارد صحنه شد و در کمترین زمان به فتنه و غائله پایان داد. در این وضعیت ماهیت اطلاعاتی - امنیتی سپاه برجسته می شود و سپاه با تهدید نیمه سخت مقابله می کند.

سپاه و تهاجم فرهنگی

هرگاه اقدامات دشمنان انقلاب اسلامی و عوامل داخلی آنان علیه انقلاب اسلامی و عوامل داخلی آنان علیه انقلاب و نظام جمهوری اسلامی، ماهیت فرهنگی داشته باشد، نهادها، سازمان ها و دستگاه های فرهنگی کشور، مسئولیت برنامه ریزی و انجام اقدامات لازم برای مقابله با تهاجم فرهنگی دشمن را بر عهده دارند. وزارت ارشاد، سازمان تبلیغات، صدا و سیما، حوزه های علمیه، آموزش و پرورش، آموزش عالی و دیگر مجموعه هایی که وظیفه اصلی، اساسی و اولیه آنها کار فرهنگی است، در راستای مقابله با تهاجم فرهنگی و وظیفه دارند. اما اگر تهاجم فرهنگی، به تهدید فرهنگی تبدیل شد و دستگاه های فرهنگی به صورت شایسته قادر به مقابله با تهدیدات فرهنگی نبودند و اقدامات دشمن و عوامل آن، ارزش ها، باورها و اعتقادات مردم را که پشتوانه اصلی انقلاب و دستاوردهای آن محسوب می شود، مورد هجوم قرار داد، سپاه به عنوان نیروی استراتژیک نظام و انقلاب اسلامی، برای مقابله با تهاجم فرهنگی که به صورت تهدید فرهنگی ظاهر شده، وارد صحنه می گردد. در این وضعیت، ماهیت فرهنگی سپاه برجسته می شود و سپاه با اقدام فرهنگی، با تهدید نرم مقابله می کند.

سپاه و تهدیدات سیاسی

کشوری که با تهاجم فرهنگی و در ادامه با تهدید فرهنگی مواجه است، شکل گیری

تهدید با ماهیت سیاسی علیه نظام سیاسی مستقر از سوی برخی از جریان‌ها، احزاب و گروه‌های سیاسی در آن متصور است. اساساً تهاجم فرهنگی دشمن علیه انقلاب اسلامی با هدف فروپاشی نظام از درون طراحی گردید و به اجرا درآمد. عرصه سیاست، عرصه پیکار و رقابت بین جریان‌های سیاسی برای کسب قدرت سیاسی، حفظ و افزایش آن می‌باشد.

انتخابات برای رجوع به آرای مردم برای انتخاب مسئولان و دولتمردان و نمایندگان مجلس و... از مهم‌ترین نقاط قوت نظام مردم سالاری دینی کنونی در ایران اسلامی است. در شرایط تهدیدات فرهنگی و سیاسی، همین نقطه قوت در صورت ضعف و ناتوانی احزاب، گروه‌ها و جریان‌های سیاسی خودی، می‌تواند به یک نقطه آسیب‌پذیر تبدیل گردد و جریان‌های سیاسی غیر معتقد به نظام دینی و انقلاب اسلامی، قصد ورود به ساختار قدرت را داشته باشند. ورود جریان‌های سیاسی غیر معتقد به اصول، مبانی و آرمان‌ها و اهداف انقلاب اسلامی به ساختار قدرت، یعنی ورود اپوزیسیون به داخل قدرت سیاسی که نظام را از درون با چالش‌های جدی مواجه می‌سازد. در چنین وضعیتی، انقلاب اسلامی و دستاوردهای آن با تهدیدات جدی سیاسی روبه‌رو می‌گردد و رسالت و فلسفه وجودی سپاه ایجاب می‌نماید در راستای دفاع از انقلاب و دستاوردهای آن وارد صحنه گردد. در چنین شرایطی ماهیت سیاسی سپاه برجسته می‌گردد و اقدامات لازم از سوی سپاه، در راستای روشنگری برای افکار عمومی و افشای جریان‌های منحرف سیاسی، با هدف مقابله با تهدیدات سیاسی و در واقع خنثی‌سازی تهدیدات نرم، به عمل می‌آید. اقدامات سپاه با ماهیت سیاسی در دهه اول انقلاب و در زمان نفوذ جریان بنی صدر به درون ساختار قدرت و همچنین در دهه سوم انقلاب و در زمان نفوذ برخی از نیروهای غیر معتقد به قوای مجریه و مقننه که با هدف براندازی خاموش فعال شده بودند، در همین راستا قابل ارزیابی است.

قلمروهای مجاز و تکلیفی

حضرت امام خمینی (قدس الله نفسه الزکیه) و خلیف صالح ایشان مقام معظم رهبری، در خصوص سپاه، پاسداران و مسایل سیاسی، احزاب، گروه‌ها و سیاست، مطالبی را بیان فرمودند که برخی با استناد به این فرمایشات و رهنمودها، بخشی از اقدامات و کارکردهای سپاه را

زیر سؤال برده و این شبهه را دامن می‌زنند که سپاه بر خلاف قانون و وصایای حضرت امام(ره) و یا تدابیر مقام معظم رهبری عمل کرده است. سؤال این است که این قبیل فرمایشات و تدابیر با مطالب پیش گفته چگونه قابل جمع می‌باشد؟

در پاسخ به این سؤال باید گفت، بعد نظامی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی اینجاب می‌نماید نحوه تعامل سپاه و پاسداران با حوزه سیاست، فعالیت‌های سیاسی، احزاب، گروه‌ها و جریان‌های سیاسی به خوبی تبیین شود.

آنچه در قانون آمده و یا فرمایشات و تدابیر حضرت امام(ره) و مقام معظم رهبری، ناظر بر همین مطالب می‌باشد. بر این اساس می‌توان در حوزه تعامل سپاه و سیاست، دو حوزه و قلمرو را از یکدیگر تفکیک نمود.

۱. قلمرو ممنوع ۲. قلمرو مجاز و تکلیفی

۱. قلمرو ممنوع برای سپاه و پاسداران

تمامی نیروهای مسلح کشور و از جمله سپاه پاسداران به واسطه بعد نظامی آن، حق ورود به احزاب، گروه‌های سیاسی و فعالیت‌های سیاسی حزبی و گروهی را ندارند. این یک اصل و قاعده عقلی است که نیروهای مسلح برای موفقیت در برابر دشمن، باید از وحدت و انسجام حداکثری برخوردار باشند. بر این اساس ارتش، سپاه و نیروی انتظامی و کارکنان آنان، به هیچ وجه نباید گرایش به احزاب پیدا کنند و یا عناصر آنان به عضویت احزاب درآیند.

در زیر به نمونه‌هایی از فرمایشات و رهنمودهای حضرت امام(ره) و رهبر معظم انقلاب اسلامی که ناظر بر قلمرو ممنوعه می‌باشد اشاره می‌شود.

۱-۱) حضرت امام(ره) می‌فرمایند: «از امور مهمی که باید تمام نیروهای مسلح از آن پیروی کنند و اغماض از آن به هیچ وجه نمی‌توان کرد و باز هم تذکر داده‌ام آن است که هیچ یک از افراد نیروهای مسلح چه رده‌های بالا یا پایین در حزب و گروهی با هر اسم و عنوان نباید وارد شوند، هر چند آن حزب و گروه صد درصد اسلامی و به جمهوری اسلامی وفادار باشد.»

۱-۲) حضرت امام(ره) می‌فرمایند: «وصیت اکید من به قوای مسلح آن است که همان طور

که از مقررات نظام، عدم دخول نظامی در احزاب و گروه‌ها و جبهه‌ها است به آن عمل نمایند و قوای مسلح مطلقاً، چه نظامی و چه انتظامی و پاسدار و بسیج و غیر اینها در هیچ حزب و گروهی وارد نشده و خود را از بازی‌های سیاسی دور نگه دارند.»

۳- ۱) مقام معظم رهبری می‌فرمایند: «در سپاه و دیگر نیروهای مسلح نباید در احزاب، باندها و تشکیلات سیاسی وارد شوند و همان طور که امام امت فرمودند وارد شدن نیروهای مسلح به خط بازی‌ها گروه‌گرایی‌ها حرام و ممنوع است.»

۴- ۱) رهبر معظم انقلاب اسلامی می‌فرمایند: «عناصر سپاه باید از هر گونه ورود به دسته‌بندی‌های سیاسی که برای هر سازمان نظامی سم مهلک است به شدت پرهیز کنند.» بنابراین از مجموعه فرمایشات امام(ره) و رهبر معظم انقلاب اسلامی، این اصل نتیجه‌گیری می‌شود که اعضای نیروهای مسلح، به هیچ عنوان نباید وارد حزب یا گروهی شوند و اگر خواستند عضو حزب یا گروهی باشند، باید از نیروی مسلح جدا شوند. ورود به احزاب و گروه‌ها قلمرو ممنوعه است و انجام فعالیت‌های سیاسی حزبی و گروهی نیز در قلمرو ممنوعه می‌باشد. هر نوع فعالیت انتخاباتی برای احزاب و گروه‌های سیاسی از قبیل انتشار، توزیع، نصب تراکت، پوستر، پلاکارد و حضور در ستادهای انتخاباتی، حضور در جلسات و گردهمایی‌های انتخاباتی، حمایت له یا علیه هر یک از کاندیداها از مصادیق فعالیت‌های ممنوع برای اعضای نیروهای مسلح و از جمله سپاه می‌باشد.

۲. قلمرو مجاز و تکلیفی پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

قلمرو ممنوعه سیاسی برای سپاه و کارکنان سپاه به خاطر بعد نظامی سپاه و جهت حفظ انسجام و یکپارچگی آن می‌باشد و رعایت این قلمرو بر اساس قانون و شرع لازم‌الرعایه می‌باشد. لکن سپاه پاسداران به دلیل ابعاد غیر نظامی و ضرورت مقابله با هر نوع اقدام علیه انقلاب اسلامی و دستاوردهای آن باید در قلمروهای دیگر چنانچه گفته شد، ورود داشته باشد. ورود در عرصه‌های سیاسی در راستای مأموریت‌های سازمانی برای مقابله با تهدیدات سیاسی- فرهنگی و اجتماعی قلمرو مجاز فعالیت و عمل سیاسی برای سپاه محسوب شده و این قلمرو هر چند مرز ظریفی با قلمرو فعالیت‌های غیر مجاز و قلمرو ممنوعه دارد، لکن قابل تفکیک از آن می‌باشد. در قلمرو فعالیت‌های سیاسی مجاز سه نوع اقدام متصور است:

الف) آشنایی سپاه و اعضای آن نسبت به سیاست و مسائل سیاسی

سپاه به عنوان یک سازمان و تک تک پاسداران به عنوان اعضای این سازمان، باید با سیاست و مسایل این حوزه، جریان‌ها، احزاب، گروه‌ها، پدیده‌های سیاسی و تحولات حوزه سیاست کاملاً آشنا باشند. این شناخت برای انجام مأموریت در راستای رسالت و فلسفه وجودی سپاه یک ضرورت اجتناب‌ناپذیر است. حضرت امام (ره) و مقام معظم رهبری در این خصوص تأکیدات فراوانی دارند که به نمونه‌هایی از آن اشاره می‌شود.

۱. حضرت امام می‌فرمایند: «در قوای مسلح از هر قشری که هستند باید دارای دید سیاسی باشند.»

۲. مقام معظم رهبری می‌فرمایند: «همه شما به درک صحیح نظامی و سیاسی و فهم سیاست‌های رایج دنیا احتیاج دارید.»

ب) مقابله سازمان با تهدیدات سیاسی

هرگاه تهدیدی با ماهیت سیاسی علیه انقلاب اسلامی و جمهوری اسلامی شکل بگیرد، سازمان سپاه به عنوان یک مأموریت با این تهدید به مقابله می‌پردازد. انتشار بیانیه با هدف روشنگری برای آحاد جامعه مهم‌ترین و برجسته‌ترین اقدام در مرحله اولیه این نوع اقدام سپاه به شمار می‌آید. اقدامات سپاه در طول ۲۷ سال گذشته در برخورد با فتنه‌های داخلی که غائله بنی صدر نمونه برجسته آن است، در راستای مقابله با تهدیدات سیاسی ارزیابی می‌گردد.

ج) حمایت سپاه از گفتمان اصلی انقلاب اسلامی

در هر جامعه سیاسی باز و توسعه یافته، وجود جریان‌های سیاسی با احزاب، گروه‌ها و تشکل‌های گوناگون سیاسی امری اجتناب‌ناپذیر است. ایران اسلامی نیز از این امر کلی مستثنی نمی‌باشد. انقلاب اسلامی دارای اصول، مبانی، آرمان و اهداف مشخصی بوده و برای تحقق یک سری ارزش‌ها پدید آمده است.

مجموعه جریان‌ها، احزاب، گروه‌ها و تشکل‌های سیاسی که به این اصول، مبانی و ارزش‌ها معتقد و وفادار باشند، طرفداران گفتمان اصلی انقلاب اسلامی به شمار می‌آیند. سپاه پاسداران بر حسب رسالت، وظایف و مأموریت‌های خود همواره باید از گفتمان اصلی

انقلاب اسلامی و مجموعه نیروهای وفادار به این گفتمان حمایت کند. حمایت سپاه از تفکر انقلابی، اندیشه انقلابی و گفتمان اصلی انقلاب اسلامی، هرگز به معنای حمایت سپاه از یک حزب یا گروه سیاسی نمی‌باشد. این حمایت سپاه نه تنها ممنوع نمی‌باشد، بلکه وظیفه و تکلیف سپاه به حساب می‌آید. حمایت سپاه از انقلاب اسلامی و دستاوردهای آن یک امر صرفاً ذهنی نیست. سپاه و بسیج در صحنه و در میدان با توجه به واقعیت‌های موجود از گفتمان اصلی انقلاب اسلامی حمایت می‌کند و بدیهی است که تمام جریان‌ها، احزاب، گروه‌ها و تشکل‌های سیاسی که در مسیر انقلاب اسلامی باشند، از این حمایت کلی سپاه پاسداران به صورت قهری و طبیعی برخوردار می‌باشند و این نوع حمایت سپاه به معنای حمایت سپاه از یک حزب سیاسی در برابر یک حزب دیگر سیاسی نباید ارزیابی کرد. این حمایت را باید به معنای حمایت سپاه به طور کلی از نیروهای طرفدار گفتمان انقلاب اسلامی در برابر نیروهای غیر معتمد به این گفتمان ارزیابی نمود.

اکنون در جامعه گفتمان اصول‌گرایی به لحاظ اندیشه‌ای، مترادف و ترجمان گفتمان اصلی انقلاب اسلامی به حساب می‌آید. بنابراین سپاه و بسیج به طور کلی از این گفتمان یعنی تفکر و اندیشه اصول‌گرایی حمایت می‌کند. این حمایت را نباید با توجه به رسالت، وظایف و مأموریت‌های سپاه، به منزله ورود نظامیان به عرصه سیاست تلقی کرد زیرا سپاه، بسیج، پاسداران و بسیجیان ماهیتی صرفاً نظامی ندارند و بر این اساس اقدامات و عمل آنان صرفاً نظامی نیست و برای دفاع و پاسداری از انقلاب و پیشبرد اهداف آن هر اقدام لازم در چارچوب قانون و تدابیر را باید انجام دهند.^۱

پی‌نوشتها:

۱. برگرفته از نشریه صبح صادق، اسفند ۸۶